

## بررسی تاثیر مدیریت ریسک بر بحران مالی بانک ها

نام و نام خانوادگی نویسنده اول: محمد قربانی

آدرس پست الکترونیک [gorbanitehran@gmail.com](mailto:gorbanitehran@gmail.com)

## چکیده:

رویدادهای مهم دهه های اخیر جهان از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و انسانی نشان می دهد که جوامع بشری پیوسته دستخوش حوادث طبیعی یا تمایلات مخرب انسانها که باعث بروز بحرانهای گوناگون می شود، بوده است. روزی نیست که اخبار مربوط به بحرانهای کوچک و بزرگی که در گوشه و کنار دنیا رخ می دهد در وسایل ارتباط جمعی منعکس نشود این بحرانها ممکن است تا آنجا پیش برود که منافع داخلی و خارجی جوامع و یا اعتبار یک سازمان بزرگ را مورد تهدید قرار دهد.

امروز تقریباً تمامی دست اندرکاران و صاحب نظران اقتصادی اتفاق نظر دارند که بانکهای کشور با بحرانهای مختلفی دست به گریبان هستند. همان گونه که بارها گفته شده ادامه وضعیت موجود منجر به فروپاشی نظام بانکی کشور خواهد شد. خوشبختانه مسئولان بانک مرکزی بیش از هر کس نسبت به وضعیت موجود نظام بانکی آگاهی دارند و اخیراً نیز وعده نظارت سختگیرانه تری را بر بانک ها دادند.

ارتباط صحیح بین نظام های مالی و تولیدی در هر کشوری از مهم ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی محسوب خواهد شد بانک ها به عنوان بخش اصلی نظام مالی نقش اصلی را در تامین مالی بخشهای تولیدی تجاری و مصرفی و حتی دولتی به عهده خواهد داشت.

در ایران نیز با توجه به ساختار اقتصادی کشور و به دلائلی هم چون عدم توسعه بازارهای سرمایه و سایر شبکه های غیر بانکی و قراردادی تامین مالی بخش های واقعی اقتصاد بر عهده شبکه بانکی کشور است.

یکی از ریشه های پیدایش وضع موجود بانکها عدم توجه به مدیریت ریسک و تاثیر آن بر بحران مالی بانکها است.

سؤالی که اینجا مطرح می شود این است که با بحران ناشی از خصوصیات نظام مالی و ناموفق بودن مدیریت ریسک در زمان پیدایش آن، چه باید کرد؟

کلمات کلیدی: مدیریت ریسک، نظام بانکی، دارائی های سمی، مدیریت نقدینگی، بحران مالی، استراتژی ها

## مقدمه

دهند. این نگرانی تا حدی اهمیت پیدا کرده است که بانک تسویه حساب بین الملل (BSI<sup>۲</sup>) و کمیته بازل دستورات عمل‌های خاصی را برای اعمال مدیریت ریسک در بانک‌ها تهیه کرده‌اند. طبق تعاریف ICI<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۷، مدیریت ریسک یکی از مهمترین ارکان سیستم‌های مالی و بانکی می باشد

تعریف مدیریت ریسک یا (مدیریت خطر):

کاربرد سیستماتیک سیاست‌های مدیریتی، رویه‌ها و فرایندهای مربوط به فعالیت‌های تحلیل، ارزیابی و کنترل ریسک می‌باشد. مدیریت ریسک عبارت از فرایند مستندسازی تصمیمات نهایی اتخاذ شده و شناسایی و به‌کارگیری معیارهایی است که می‌توان از آنها جهت رساندن ریسک تا سطحی قابل قبول استفاده کرد.

و نیز هزینه کلی جهت تعیین، کنترل و حداقل نمودن تاثیر رویدادهای احتمالی. هدف مدیریت ریسک، کاهش ریسک به یک سطح قابل قبول است. حمایت از این فرآیند توسط مدیریت ارشد عامل تداوم آن خواهد بود.

اصول مدیریت ریسک:

ریسک در هر حیطة‌ای قابلیت مطرح شدن دارد که یکی از مهمترین آنها، بانک‌ها هستند. زیرا بانک‌ها از یک سو سرمایه‌های مردم را که در قبال آن مسئولیت دارند جمع آوری کرده و از سوی دیگر با استفاده از این سرمایه‌ها اقدام به انجام عملیات بانکی و فعالیت‌های اقتصادی می نمایند. با توجه به تغییرات مداوم در عوامل محیطی و سیستم‌های اقتصادی هر روز ریسک‌های متفاوتی بر ساختار مالی بانک‌ها اثر می گذارند. برای مطالعه ریسک در بانک‌ها، باید تمامی انواع ریسک‌ها را به صورت یک مجموعه دسته بندی و مورد بررسی قرار داد، زیرا تغییرات عوامل در محیط پیچیده‌ای روی می‌دهند که ارزیابی و تحلیل آنها کار چندان ساده‌ای نیست. از طرفی ما در جهانی مملو از انواع ریسک زندگی می کنیم و برای ایجاد جوی قابل اعتمادتر، باید ریسک‌ها را در مرحله اول بشناسیم و سپس آن را به روشی نظام‌مند مدیریت کنیم. بنا به نظر پاندی (Pandey, 2009<sup>۱</sup>) ماهیت فعالیت بانک‌ها به گونه‌ای است که اگر چه، ظاهراً علامتی از بحران و یا ورشکستگی از خود نشان نمی‌دهند، ولی می‌توانند بحران‌های پنهان را به حالت‌های گوناگون با خود حمل نمایند و این بحران‌ها، مسؤولین نهادهای نظارتی و اجرایی سیستم‌های مالی را بر آن داشت تا مدیریت ریسک نهادهای مالی و بخصوص بانک‌ها را با جدیت بیشتر و به صورت کارشناسی شده مورد توجه قرار

BSI<sup>۲</sup>  
ICICI<sup>۳</sup>

(Pandey, 2009)<sup>۱</sup>

مدیریت ریسک یکی از قسمت‌های محوری مدیریت استراتژیک هر سازمان به شمار می‌رود. این شیوه شامل فرایندهایی است که از طریق آن سازمان‌ها می‌توانند به صورت روش‌مند خطرهای مرتبط با فعالیت‌هایشان را شناسایی کنند. یک رویکرد مدیریت خطر موفق باید با سطح خطر در سازمان متناسب و با دیگر فعالیت‌های سازمان هم‌راستا باشد. از دیگر ویژگی‌های مدیریت خطر موفق می‌توان به جامعیت گستره کار، گره‌خوردگی با فعالیت روزمره، و پویایی در پاسخگویی به شرایط نام برد.

فرایند مدیریت ریسک:

۱. شناخت خطر در محدوده مورد نظر

۲. برنامه‌ریزی برای فرایندهای باقیمانده

نقش و اهمیت مدیریت ریسک در فعالیت بانک‌ها:

اگر فرآیند اصلی یک بانک را تأمین منابع و تخصیص آن در نظر بگیریم، این امر متضمن گردآوری انواع منابع سپرده‌ای و غیر سپرده‌ای (از طریق صدور انواع ابزار مالی و یا اخذ خطوط اعتباری) و سپس تخصیص آن به انواع فعالیت‌ها از طریق اعطای وام و یا تسهیلات در چارچوب قراردادهای مختلف خواهد بود.

بانک‌ها به دلیل ماهیت فعالیت‌شان خود با ریسک‌های متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که به شرح ذیل به توضیح هریک از آن می‌پردازیم:

ریسک اعتباری، ریسک بازار، ریسک نقدینگی و ریسک عملیاتی است

بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین ریسک بانک‌ها ریسک اعتباری است به این معنا که مشتری اعتباری بانک قادر به بازپرداخت تسهیلات یا تعهدات خود نباشد. میزان بالای مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول در بانک‌ها نشان‌دهنده حجم بالای ریسک اعتباری در سیستم بانکی است؛ به گونه‌ای که در برخی از بانک‌ها میزان مطالبات معوق بسیار بیشتر از کل سرمایه بانک است.

یکی دیگر از ریسک‌های بانکی که اهمیت بسزایی دارد، ریسک نقدینگی است. به این معنا که بانک برای ایفای تعهدات کوتاه‌مدت خود قادر به نقد کردن دارایی‌های خود نباشد. عمده دارایی‌های بانک‌ها تسهیلات اعطایی و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت است. هنگامی که این تسهیلات معوق شود یا سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در دارایی‌هایی باشد که بازار آنها با رکود مواجه باشد، مثل مسکن، در این حالت بانک برای بازپرداخت سپرده‌های مشتریان با مشکل مواجه خواهد شد. نگاهی به وضعیت بانک‌های کشور نشان می‌دهد که بسیاری از آنها با ریسک نقدینگی بالایی مواجه هستند و به همین علت اکثر آنها برای بازپرداخت سود سپرده و اصل سپرده مشتریان اقدام به استقراض از بانک مرکزی کرده‌اند. رشد ۳۰ درصدی سال گذشته بدهی‌های بانک‌ها به بانک مرکزی ریشه در افزایش ریسک نقدینگی بانک‌ها دارد.

سومین ریسک با اهمیت در بانک‌ها ریسک بازار است. سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی که ارزش آنها به صورت روزانه تغییر می‌کند مثل سهام، اوراق بدهی، ارز، طلا،

کالاهای اساسی و... بانک را با ریسک بازار مواجه می‌کند. به علت نوسانات شدید در این بازارها اصولاً بانک‌ها حق ندارند با سپرده‌های مردم در این بازارها سرمایه‌گذاری کنند و تنها درصدی از سرمایه خودشان را می‌توانند وارد این بازارها کنند.

چهارمین ریسک مهم در بانک، ریسک عملیاتی است. هر گونه خسارت ناشی از فعالیت‌های عملیاتی بانک مانند حوادث غیرمترقبه، سرقت، اختلاس، اختلال در سیستم‌های داخلی و... ریسک عملیاتی نامیده می‌شود. بانک باید فرآیندهای مدونی برای کنترل ریسک‌های عملیاتی خود داشته باشد.

در صدر تمامی ریسک‌های مزبور ریسک اعتباری به عنوان اصلی‌ترین ریسک بانک‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است. ریسک‌های بازار، عملیاتی و نقدینگی از دیگر ریسک‌های عمده بانک هستند. لازم به ذکر می‌باشد که کمیته نظارتی بازل سه ریسک اعتباری، بازار و عملیاتی را به عنوان عمده‌ترین ریسک‌های بانک‌های جهان مورد شناسایی قرار داده است

نگاهی به عملکرد بانک‌ها و اطلاعات ارائه‌شده از سوی آنها نشان می‌دهد که به جز معدودی از بانک‌ها، اکثر بانک‌ها برنامه جدی برای اندازه‌گیری و کنترل ریسک‌های خود ندارند. اگرچه اکثر بانک‌ها در ساختار سازمانی خود واحدی به نام مدیریت ریسک را طراحی کرده‌اند، اما مدیران ارشد و اعضای هیات‌مدیره بانک‌ها چندان اهمیتی به این واحد و عملکرد آن نمی‌دهند.

در بانک‌های دنیا واحدهای اجرایی بانک برای اجرای تصمیمات خود موظفند مجوز واحد مدیریت ریسک را

دریافت کنند. این واحد موظف است اجازه ندهد ریسک‌های بانک از حد معینی تجاوز کند و باید تمامی ریسک‌های بانک را به هیات‌مدیره و نهاد ناظر گزارش کند. نکته بسیار کلیدی در ساختار بانک‌های بین‌المللی تفکیک وظایف اجرایی از وظایف کنترلی است. به این معنا که واحدهای اجرایی بانک مانند شعب، اعتبارات، سرمایه‌گذاری، امور بین‌الملل و... بدون تایید و نظارت واحدهای کنترلی مانند مدیریت ریسک یا مدیریت تطبیق مقررات اجازه ارائه خدمات و محصولات بانکی به مشتریان را ندارند. واحدهای اجرایی با انگیزه رسیدن به اهداف عملکردی تعیین شده از طرف هیات‌مدیره، ممکن است دست به اقداماتی بزنند که ریسک بانک را افزایش دهد. برای مثال یک رئیس شعبه برای رشد تسهیلات شعبه ممکن است اقدام به اعطای تسهیلات به یک مشتری پرریسک کند. در اینجا بین هدف رئیس شعبه یعنی افزایش تسهیلات اعطایی و کنترل ریسک بانک تضاد منافع وجود دارد. به همین دلیل نقش کنترل و نظارت به واحدهای دیگری غیر از شعبه سپرده شده است. همین رویه در واحدهای ستادی بانک نیز باید برقرار باشد. نگاهی به ساختار بانک‌های ایرانی نشان می‌دهد در ساختار موجود بانک‌های کشور این تفکیک وظایف نظارتی از وظایف اجرایی به درستی رعایت نمی‌شود. واحدهای نظارتی مثل ریسک و تطبیق، قدرت چندان در پیشگیری از فعالیت‌های پرریسک واحدهای اجرایی ندارند

در شکل زیر فرآیند ریسک‌پذیری بانک‌ها نشان داده می‌شود:

## ۱-ارائه برنامه به منظور صدور مجوز کسب اطلاعات در

### زمینه ریسک

## ۲-بازکردن عملیات اجرایی خزانه با پوشش قوی

### بازرسی - ممیزی

## ۳-استفاده از کامپیوتر مجهز به تکنیک‌های کنترلی و

سیستم‌های بازرسی بکارگیری استانداردهای ارزیابی

ریسک در حسابرسی یکی دیگر از عواملی است که

می‌تواند در کاهش ریسک عملیاتی موثر باشد.

استاندارد های ارزیابی ریسک بسیاری از اجزای

ساختاری و اساسی حسابرسی از قبیل اهمیت، ماهیت

شواهد حسابرسی، برنامه ریزی حسابرسی، درک کنترل

داخلی و ارزیابی ریسک را دربردارند. به کارگیری این

استاندارد ها به دلیل ماهیت گسترده آنها یک فرایند

مدیریت تغییر نیز محسوب می‌شود. مستندسازی

حسابرسی باید حاوی جزئیات کافی برای فراهم آوردن

درک درست و واضح از عملیات حسابرسی و حسابداری

انجام شده، شواهد حسابرسی به دست آمده و منبع آنها

و نیز نتایج به دست آمده باشد. لازم به ذکر است یکی

از ریسک‌های عملیاتی بانکی مساله پولشویی است.

راهکار های مدیریت ریسک:

الف- طراحی حقوقی قراردادها با انجام کارشناسی برای

حفظ حقوق بانک

ب - آگاهی و هماهنگی با نظام های حقوقی و قضایی

کشور



### ابزارهای کنترل ریسک:

یکی از مهم ترین ابزارهای کنترل ریسک اعتباری که

مورد تأیید نهادهای بین المللی و جزء الزامات بانک

مرکزی ۱.۱.۱ نیز میباشد استقرار نظام رتبه بندی اعتباری

و اعتبارسنجی مشتریان میباشد.

رتبه بندی اعتباری یکی از روش های ارزیابی احتمال

پرداخت به موقع تعهدات مالی یک موسسه مالی است.

مؤسسات رتبه بندی اعتباری نظریات خود را در مورد

صلاحیت اعتباری موسسه مالی یا ابزار مالی خاص در

قالب رتبه بندی اعتباری منتشر می نمایند. این

رتبه های اعتباری یکی از ابزارهای موثر مدیریت ریسک

می باشد. در صورت عدم وجود رتبه سنجی اعتباری به

وسیله مؤسسات معتبر اعتبارسنجی برای شرکت ها و یا

اشخاص حقیقی و حقوقی ، بانک ها و مؤسسات مالی می

توانند از روش های رتبه سنجی داخلی استفاده نمایند.

مؤسسه مالی ICGI ضمن معرفی مخاطرات ریسک

عملیاتی راهکارهایی را به شرح ذیل ارائه می کند:

ج - ایجاد واحد حقوقی تمام وقت در بانک با استفاده از کارشناسان حقوقی آگاه به امور بانک

گسترده ای از بحران های پیش آمده در متغیرهای مالی را دربر می گیرد

### بحران

تعریف بحران: بطور کلی بحران عبارت است از پیدایش هرگونه عدم تعادل و برهم خوردن نظم موجود در قلمروهای مختلف حیات بشری. زمانیکه سیستم های فعال بر اثر عوامل درونی و یا بیرونی کارکرد متداول خود را از دست می دهد و عناصر موجود در سیستم دچار تغییرات اساسی می شوند، وضعیت غیرعادی بصورت ناپایداری و بی ثباتی حاصل می شود که با وخامت اوضاع هجوم یک شوک و یا بحران به سیستم تحمیل می گردد. این دگرگونی که می تواند به کارکرد سایر سیستم ها تاثیر گذارد، طیف وسیعی از واکنش های سیستم و غیر سیستم را در پی خواهد داشت.

تعریف بحران مالی: بطور کلی بحران مالی به موقعیتی اطلاق می شود که طی آن و در نتیجه یورش به بازار ارز، پول رایج کشور شدیداً با کاهش ارزش مواجه می شود و یا ذخایر بین المللی شدیداً کاهش می یابد و یا ترکیبی از این دو اتفاق رخ می دهد تعریف این بحران طیف

بحران مالی می تواند ناشی از ایجاد اختلال در یکی از مبادی بخش مالی اقتصاد بوده و به دلیل وجود ارتباطات و روابط مالی با سایر متغیرهای مالی و بخش واقعی اقتصاد سرایت نماید. بحران بازار سهام، ترازپرداختها، ورشکستگی بانکها و شرکت های بیمه، تغییرات شدید نرخ ارز و کاهش ارزش پول رایج یک کشور بحران های قابل مثال در این حوزه می باشند

تعریف بحران بانک ها: بحران بانکی به وضعیتی اطلاق می گردد که تعداد زیادی از بانک ها در یک کشور قادر به بازپرداخت دیون و بدهی های خود نباشند. ذات حرفه بانکداری به علت ویژگی های خاص خود همواره مستعد دریافت بی ثباتی و ریسک ها و در درجات بالاتر بحران ها می باشند. بطور کلی درجه اهرمی بالا و کم بودن سرمایه بانک ها در تناسب با حجم ترازنامه های آنها در مقایسه با سایر شرکت های تجاری، عدم تناسب زمانی سررسید بین دارائیهها و بدهیهها، لزوم حفظ اعتماد دائمی سپرده گذاران، ابتلا به ریسک های متنوعی از جمله ریسک نرخ ارز و عدم وجود شفافیت قطعی در صورتهای مالی منتشره بدلیل سرعت بالای تغییر در اقلام ترازنامه ای در مقایسه با شرکت های تجاری و تولیدی از مواردی می باشند که بانک ها را به عنوان یکی از مراجع بروز بحران ها در اقتصاد شناسانده است. در اکثر بحران های بزرگ بانکی مشاهده شده است، دو جزء مهم بحران های بانکی (مالی) که همانا از دست

رفتن اعتماد به نهادهای مالی و ورشکستگی طلبکاران می باشد روی می دهد.

همچنین با اینکه بحران های بانکی نسبتاً تکرار شونده هستند بدلیل آنکه حتی دو مورد از بحران های ایجاد شده از نظر ساختاری شبیه به یکدیگر نیستند پس نحوه مدیریت آنها نیز با هم متفاوت است. با این حال عواملی از جمله جهش اعتبارات یا وام دهی بی قاعده (توسعه سریع میزان اعتبار در کوتاه مدت)، عدم تطابق دارائی/بدهی سیستم بانکی را از عوامل مهم بحران بانکی محسوب می گردند. از دیگر دلایل بحران های بانکی می توان به عدم نظارت و ضعف مقررات، ضعف کنترل های داخلی، ریسک عملیاتی بالا، ناتوانی در پرداخت دیون ناشی از ضعف در مدیریت نقدینگی، سرمایه گذاری های ضعیف و توجیه نشده، بکارگیری معیارهای ضعیف حسابرسی و سوء مدیریت اشاره نمود. برای تشخیص ایجاد بحران در بانک ها میزان سرمایه بانک، اولین شاخص مستقیم بانکی محسوب می گردد که بیانگر وجود مشکلات احتمالی است. سرمایه به صورت مانعی در مقابل شوک ها عمل می کند و به بانک اجازه می دهد تا به اداره مطالبات خود حتی زمانی که احتمال دارد ارزش بعضی از دارائی هایش کاهش یابد ادامه دهد. کاهش سریع سرمایه بانک به دلیل جبران افزایش زیان، هر دو علامت و مولفه ای از وجود مشکل در نظام بانکی هستند. افزایش سریع در نسبت وام های بازپرداخت نشده یا منقضی شده علامت دیگری از وجود بحران است. وخیم تر شدن کیفیت وام ها هسته اصلی اکثر بحران های سیستماتیک بانکی بوده است. بنابراین میزان وام های بازپرداخت نشده یک

شاخص کلیدی است که بیانگر وجود مشکلات بزرگ در نظام بانکی است، همچنین تغییر در ساختار ترازنامه بانک ها می تواند آموزنده باشد و ممکن است اطلاعات حاصله از آن هشدار در مورد خسارات احتمالی باشد که هم اکنون اتفاق افتاده است. در بعضی موارد، به نظر می رسد که وقوع بحران های بانکی به خاطر تخصیص فراوان وام ها به بخش های ویژه ای جلوتر افتاده است.

از مهم ترین زنگ های خطر وجود بحران در نظام بانکی را مرکز پژوهش های مجلس در خردادماه امسال به صدا در آورد. این مرکز، با بررسی اطلاعات ترازنامه بانک ها و موسسات مالی فعال در نظام بانکی در سال های اخیر بر وجود بحران در نظام بانکی تصریح کرد. عمده بار این بحران بر دوش مطالبات معوق است. بر این اساس، یک شاخص مهم نسبت مطالبات معوق نظام بانکی به کل سرمایه بانک ها بوده که طی سال های ۹۲ تا ۹۴، از ۱،۲ به ۱،۳ افزایش یافته است و به این معناست که در صورت سوخت شدن این مطالبات، سرمایه بانک ها هم تکافوی آن را نمی دهد. این مرکز تبعات چنین وضعیتی را این چنین بر شمرده بود که در این صورت سرمایه بانک ها در معرض تحلیل و سوخت شدن قرار می گیرد. لذا در این حالت بانک ها وارد یک عملیات بدون سرمایه می شوند. به طوری که تعهدات بانک از محل سپرده های جدید پرداخت شده و دارایی های بانک به صورت شکننده افزایش می یابد. شناسایی سود و پرداخت سود در این حالت ریسک اعتباری و نقدینگی بانک را به شدت افزایش می دهد. غالباً بر مبنای حسابداری تعهدی ما به ازای مطالبات معوق، سود محاسبه می شود و بانک آن را به عنوان سود محقق شده پرداخت می کند که این



امر به شدت ریسک بانک را افزایش می دهد و کیفیت دارایی ها در ترازنامه بانک را تضعیف می نماید؛ عبارتی درآمدی که اساساً تحقق آن با تردید مواجه است در صورت سود و زیان بانک به عنوان عامل مثبت افزایش تلقی شده و براساس آن سهام بانک نیز در بازار بورس تعدیل مثبت خواهد داشت

که این خود ریسک سیستماتیک بزرگی را برای بخش بانکی و بازار سرمایه ایجاد می نماید از سوی دیگر

#### اطلاعات

گزارش این مرکز نشان می داد که طی سال های ۹۲ تا شهریور ۹۴، «مجموع سهم بدهی های معوق و خالص بدهی دولت» از کل تسهیلات نظام بانکی، از ۲۱,۳ در سال ۹۲ به ۲۲,۷ در شهریور ۹۴ افزایش یافته است که به معنی تشدید انجماد دارایی های بانکی طی این مدت است. این گزارش، فشار دولت برای تامین مالی از طریق سیستم بانکی را یکی از عوامل زمینه ای بروز این پدیده عنوان کرده بود.

آمارهای بانک مرکزی در خصوص وضعیت نظام بانکی تا پایان مهرماه امسال نیز بیانگر تداوم بدهی دولت به بانک ها و بانک ها به بانک مرکزی است. براین اساس، مجموع بدهی بخش دولتی در پایان مهر ماه سال ۹۵ به ۱۴۲ هزار و ۳۵۰ میلیارد تومان رسیده که در بازه زمانی یک ساله منتهی به مهر ماه ۲۹ درصد و در ۷ ماهه اول امسال ۱۶,۸ درصد رشد داشته است. بدهی بانک ها به بانک مرکزی نیز به ۹۸ هزار و ۱۹۰ میلیارد تومان رسیده که در یک سال اخیر ۱۵,۵ درصد و ۷ ماهه اول امسال ۱۷,۶ درصد افزایش یافته است. بدهی دولت به

بانک ها را می توان منجر به قفل شدن برخی منابع بانکی دانست که این منابع را از چرخه تسهیلات دهی بانک ها به عنوان مهم ترین منبع درآمدی آن ها خارج می کند. بدهی بانک ها به بانک مرکزی را نیز می توان بیانگر کمبود منابع و در نتیجه استقراض آن ها از بانک مرکزی عنوان کرد که چون معمولاً با نرخ های بالایی صورت می گیرد، هزینه تامین مالی بانک ها را بالا می برد.

#### تاثیر بحرانها بر نظام بانکی کشورها

بررسی بحرانهای دهه های اخیر در دنیا، بیانگر برخی تغییرات و اصلاحات در نظام بانکی در کشورهای مختلف است. به عنوان نمونه می توان به پیامدهای بحرانهای دوگانه ۴ در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ اشاره کرد. بحرانهایی که دولت مردان تایلدن را بر آن داشت تا به عنوان یکی از دستاوردهای مهم اصلاحات برگرفته از گذر از بحرانهای مالی، نهایتاً در سال ۱۹۹۷ با تصویب قانونی، ورود بانکهای خارجی را از طریق تاسیس شعب بانکی کامل به کشور خود، آزاد نمایند. این آزادسازی (ورود بانکهای خارجی به تایلدن)، منافی را بدنبال داشت که "ساکولرات مونتریوات و رامکیشن راجان" طی تحقیق خود به برخی از آنها اشاره داشته اند:

۱. ورود بانکهای خارجی می بایست حیطه اعطای وامهای غیرتجاری یا خودمانی<sup>۶</sup> را کاهش دهد، آنگونه که این

<sup>۱</sup> Twin Crises  
<sup>۲</sup> Sakulrat Montrivat & Ramkishen Rajan  
<sup>۳</sup> Connected Lending

بانکها از نظر سیاسی به هم متصل نیستند و کمتر تحت نظارت مقررات هستند

۲. از آنجایی که پور تفولیو بانک های خارجی کمتر برای هر کشور بومی سازی شده، لذا به میزان کمتری مستعد پذیرش (پیامدهای) بحرانهای خاص کشور میزبان هستند.

۳. از آنجا که شعب داخلی بانکهای خارجی از دفتر مرکزی خود در خارج از کشور تامین مالی می گردند، یک سیستم بانکی با مبنای دارایی های متنوع بی نالملی، دارای ثبات بیشتر بوده و کمتر تحت تاثیر عملیات بانکداری و نیز تنگناهای بانکی قرار می گیرد.

۴. فرامرزی نمودن فضای بانکداری، می تواند فشارهایی بر قانونگذاران بانکی محلی در کشور میزبان با هدف تسهیل و هماهنگی مقررات و رویه ها و استانداردهای نظارتی با بهترین سطوح بین المللی وارد نماید

همچنین به بحران بانکی اکتبر ۱۹۹۷ اندونزی میتوان اشاره کرد که طی آن ضربه های سنگینی به نظام بانکی اندونزی وارد گردید، به طوری که از ۷ بانک دولتی، ۳ بانک ادغام و از ۱۵۷ بانک خصوصی، ۷۹ بانک باقی ماند: ۶۵ بانک منحل، ۹ بانک ادغام و ۴ بانک ملی اعلام گردید و هزینه مالی بحران، چیزی در حدود ۴۰٪ تولید ناخالص داخلی تخمین زده شد. پس از این بحران، دولت با همکاری صندوق بین المللی پول ۷، نسبت به تدوین طرحهایی جهت بازنگری نسبت کفایت سرمایه (CAR) بانک ها و نیز ارزیابی سرمایه بانکهای باقیمانده از بحران، اقدام نمود. از سوی دیگر با تاسیس موسسه ای

تحت عنوان آژانس نوسازی بانکهای اندونزی ۸، بخش اعظمی از داراییهای بانکها را تحت کنترل خود درآورد.

بحران مالی اخیر آمریکا (۲۰۰۸-۲۰۰۹)

بحران مسکن در ایالات متحده، ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم اعتبار، بهره و ریسک دارد. از ابتدای قرن بیست و یکم با هدف جلوگیری از رکود اقتصادی و بهبود تراز پرداخت های ایالات متحد با خارج، مقامات پولی آن کشور سیاست پولی انبساطی گسترده ای جهت ایجاد رونق از طریق افزایش سرمایه گذاری و رشد اشتغال رادر پیش گرفتند. این سیاست منجر به کاهش شدید نرخ بهره در آمریکا از حدود ۶ درصد به کمتر از یک درصد در اواخر سال ۲۰۰۳ میلادی گردید. سیاست های انبساطی فدرال رزرو به بان کها اجازه می داد که ذخیره احتیاطی کمتری را جهت (بازپرداخت) سپرده های مشتریانشان نزد خود نگه دارند. این نکته به کاهش نسبت دارایی ها به بدهی ها نزد بانک های آمریکایی انجامید و احتمال ورشکستگی بانک ها در صورت به وجود آمدن یک بحران بانکی را افزایش داد.

سیاست های انبساطی فدرال رزرو و کاهش شدید نرخ بهره (هزینه وام) از یک سو و افزایش مداوم قیمت مسکن از سوی دیگر، افراد زیادی را تشویق به خرید مسکن می نمود. اینک، حتی افرادی با درآمدهای پایین

(ولذا ریسک بالا در بازپرداخت وام) امکان خرید مسکن رویایی خود را پیدا کرده بودند. در ضمن، بانک ها هزینه زیادی را بابت ریسک ناشی از اعتبار پایین وام گیرندگان خود درخواست نمی کردند، چرا که در مقابل دریافت وام، خانه مزبور در گروهی بانک قرار می گرفت. در این دوره بخش مسکن طلایه دار انتقال منافی می گردید که مابه ازای دیگری نیز در بخش واقعی اقتصاد نداشت

اما فاجعه از آنجا آغاز شد که از اواخر سال ۲۰۰۶ میلادی بازار مسکن آب و رنگ متفاوتی به خود گرفت. عرضه بیش از حد مسکن، زمزمه هایی را در بازار مبنی بر کاهش قیمت آن در آینده به راه انداخته بود.

خریداران بالقوه که تا دیروز برای خرید مسکن از یکدیگر سبقت می گرفتند، اینک در انتظار کاهش قیمت، از خرید سرباز می زدند. همچنین، عده ای از ترس کاهش قیمت مسکن، خانه های خود را به فروش گذاشته بودند.

که این به معنای افزودن بر عرضه فراوان مسکن بود. با شدت یافتن این روند در سال ۲۰۰۷ میلادی، ناگهان حباب بازار مسکن ترکید و قیمت مسکن در سرازیری سقوط قرار گرفت. در این زمان رهن بیش از سه میلیون و ششصد هزار نفر نکول شده و خانه هایشان مصادره گردید. بیش از پنج میلیون نفر نیز در شرف تخلیه و حراج مسکن قرار گرفتند.

هنگامی که اخبار مربوط به ضرر و زیان بانک ها در اعطای وام به بازار مسکن فاش گردید، سپرده گذاران از

ترس آن که مبادا بانک آنها نیز درگیر این ماجرا شده باشد و بدلیل ورشکستگی نتواند سپرده هایشان را بازگرداند، به بانک ها مراجعه کرده تا سپرده های خود را برداشت نمایند. شرایط در سیستم بانکی بنحوی است که حتی در شرایط عادی دارایی های جاری بانک کمتر از کل سپرده های مردم (بدهی های بانک) نزد وی می باشد. به عبارت دیگر، شاخص بدهی به دارایی جاری آن که نوعی اهرم مالی<sup>۹</sup> نامیده می شود، بزرگتر از یک است. بدیهی است که کاهش ذخایر بانک ها (به دلیل سیاست پولی انبساطی فدرال رزرو) و حضور آنها در بازار مسکن باعث افزایش بیش از حد این شاخص اهرم مالی آنها شده بود. به همین دلیل بانک ها توان بازپرداخت سپرده های مشتریان خود را نداشتند و لذا، ورشکستگی زنجیره ای بانک ها آغاز گردید. با توجه به ارتباطات بین بانکی، بحران مزبور به سرعت به کل سیستم بانکی کشور سرایت نمود. بسیاری از بانک ها توان بازپرداخت وام های خود را به بانک های دیگر نداشتند. در ضمن، هیچ بانکی حاضر به قرض دادن به بانک های مشکل دار نبود، چرا که از نکول وام خود هراس داشت.

شرایط جدید در بازار مالی به معنای افزایش تقاضا برای پول و لذا افزایش نرخ بهره بود. از سوی دیگر، رکود بازار مسکن (به علاوه افزایش نرخ بهره) نویدگر رکود محتمل اقتصادی بود که به زودی ایالات متحد رادر هم می نوردید. این شرایط به نوبه خود به معنای کاهش سود نسبی سهام در کوتاه مدت (در مقابل نرخ بهره) و بازدهی مورد انتظار سهام در درازمدت (به دلیل رکود

<sup>۹</sup> Leverage

اقتصادی) بود. لذا، اتفاق مشابهی نیز در بازار سهام روی داد. سهام داران از ترس کاهش قیمت سهام خود به بازار سهام هجوم آورده تا آنها را به فروش برسانند. عرضه فراوان سهام و بی اعتمادی سهام داران به شرایط اقتصادی در آینده (مشابه بازار مسکن) قیمت کاهنده ای را برای شاخص های سهام در بازارهای بورس رقم زد. بدین ترتیب، ظرف مدت کوتاهی بحران بازار مسکن در ایالات متحد، بازارهای مالی و سرمایه ای این کشور را نیز در هم نوردید.

#### تاثیر بحرانها بر دارائی بانکها

در تحقیقی که اخیراً آلن برگر و کریستا بومان<sup>۱۰</sup> با بررسی وضعیت بانکهای آمریکا (بزرگ و کوچک) در طی ربع قرن اخیر (۲۰۰۸-۱۹۸۴) انجام دادند نتایج جالبی بدست آمده است آنها طی این تحقیق تاثیر ۵ بحران بزرگ بر بحرانهای نقدینگی خلق شده بانکها (داراییهای نقد، نیمه نقد و غیر نقد) را مورد بررسی قرار دادند. در این رابطه با استفاده از حجم نقدینگی خلق شده توسط بانک ها و مبتنی بر ارقام بالاخطی و زیرخطی ترازنامه بانک ها و براساس دارایی های نقد، نیمه نقد و غیرنقد بانک ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج ذیل از آنالیز روند بدست آمد:

۱- پیش از بحران های مالی نشانه هایی از تورم و رسوب و یا فقر نقدینگی غیرعادی مشاهده می گردد.

توضیح اینکه منظور از غیرعادی بودن، انحراف از روند (زمانی) تعدیل شده توسط فاکتورهای فصلی "خلق نقدینگی" می باشد. محققان دریافتند که هر دو نمونه ویژگی یکسانی دارند و آن شروع با نقدینگی مثبت غیرعادی بود. این وضعیت بویژه برای بحران فعلی صادق است که بازتابی از افزایش سرمایه و عدم رعایت استانداردهای اعطای تسهیلات می باشد.

۲- بحرانهای بانکی و بازارمدار در دو جنبه متفاوت هستند. یکی بروز نشانه های نقدینگی مثبت غیرعادی در بحرانهای بانکی و نقدینگی منفی غیرعادی در بحران های بازارمدار و دوم اینکه بحران های بانکی خودشان مسیر تجمع و رشد نقدینگی را تغییر می دهند، کاری که بحران های بازارمدار نمی توانند انجام دهند.

۳- سوم اینکه خلق نقدینگی در برخی بحران ها نظیر "حرص اعتبار ۱۱" کاهشی و در برخی نظیر Russian Debt افزایش می یابد. بنابراین خلق نقدینگی دارای اثر تشدیدکننده و بهبوددهنده بر پیامد های بحرانها است.

۴- ارقام زیرخطی ترازنامه به بخش بالایی ترازنامه منتقل می گردد. (بحران اخیر مسکن در آمریکا با تزریق حجم عظیمی از نقدینگی و افزایش مانده اعتبارات و تعهدات زیرخطی آغاز گردید). این موضوع تصویر تاریکی از خلق نقدینگی توسط بانک ارائه می نماید. در حالیکه شکنندگی و بی ثباتی مالی، بانک ها را وادار و یا تحریک به تزریق نقدینگی نماید، تحلیل ها نشان می دهد، احتمال تاثیر معکوس خلق نقدینگی (تشدید شکنندگی مالی) وجود دارد.

۵- بحران اخیر مسکن ناشی از ورود حجم زیادی از نقدینگی ناشی از عدول از استانداردهای اعطای تسهیلات منجر به تداوم افزایش حجم اعتبارات و نیز تعهدات ترازنامه ای توسط بانک ها گردید.

تاثیر بحران اخیر در وضعیت دارائیهها و خلق نقدینگی بانک ها:

بحران اخیر مسکن نیز از بابت آشفتگی در بازارهای مالی ویژه ایجاد شد، تا آن حد که بانک ها در وصول تسهیلات اعطایی بشدت با مشکل مواجه گردیدند. همچنین به نظر می رسد که در ارائه اعتبار نیز بی میل هستند. آنها مجبور شدند پرداخت وام به شرکت ها و اشخاص را بطور ناگهانی تقلیل دهند و در اعطای وام به سایرین نیز محتاطانه اقدام نمودند. برخی از بانک ها زبان های بسیار سنگینی در سرمایه را تجربه کردند. برای مثال سیتی کورپ ۱۲ مجبور به افزایش سرمایه در حدود ۴۰ میلیارد دلار برای پوشش زیان وام های بی بازگشت گردید. بروز زیان های کلان در سراسر کشور، بانک های آمریکا را مجبور به اعمال کنترل هایی کرد.

واشنگتن موجوال ۱۳، ششمین بانک بزرگ آمریکا، بزرگترین شکست بانکی را در تاریخ نظام مالی آمریکا تجربه نمود. ایندی مک بانک ۱۴ پس از تحمل خسارت های کشنده و هجوم مردم به بانک توسط شرکت بیمه سپرده فدرال ۱۵ توقیف گردید.

شکل گیری بحران های بانکی:

زمانی که بحران بانکی شروع می شود، گسترش می یابد. در توضیح این جمله بطور کلی می توان گفت، از بین رفتن اعتماد به نهادهای مالی و ورشکستگی طلبکاران بارزترین شاخصه بروز بحران می باشد. بدلیل وجود بحران و عدم توانایی مالی بدهکاران که از بیکاری و یا کم درآمدی آنها نشات می گیرد، بانک ها با عدم دریافت مطالبات خود روبرو شده و در نتیجه ذخایر آنها رو به کاهش نهاده و در نتیجه با افزایش ریسک نقدینگی قادر به ایفای تعهدات خود در قبال سپرده گذاران نمی باشند. نتیجه اینکه بحران مالی موجب سلب اعتماد عمومی و هجوم سپرده گذاران به بانکها جهت بازپس گیری سپرده های خود می باشند. در این صورت بدلیل وجود ریسک سیستمی در صنعت بانکداری مشکلات حاد و ورشکستگی بانک های کوچک به سایر بانک ها منتقل شده و کل نظام بانکی کشور و پس از آن نظام بانکی و فضای اقتصادی سایر کشورها را نیز درگیر می نماید.

دلایل مهم و تشدیدکننده در خصوص بحران های بانکی، عدم وصول وام های آنهاست که می تواند با توجه به یک یا چند دلیل ذیل باشد:

۱- اعطای وام به دستور دولت به افراد شرکت ها و

موسسه های بی سود دولتی.

Citicorp ۱۲  
Washington Mutual ۱۳  
IndyMac Bank ۱۴  
FDIC ۱۵

۲- وام دهی بدون پایه مالی، وام دهی خودمانی.

۳- تماس بیش از حد با بخش هایی که رشد بانکداری دارند بعضی از بانک ها در اثر وام دهی بیش از حد به بخش های خاصی دچار دردسر شده اند. تقاضا برای دادن اعتبار باعث افزایش بیش از حدارایی ها میشود. تا حدی که غالباً از ارزش «معقول» دارایی ها پیشی می گیرد با پایین آمدن بهای دارایی ها از آسمان به زمین بانک ها به جایی می رسند که در دفاترشان وثیقه هایی دارند که بیش از حدارزیابی شده اند. مستغلات رایج ترین مثال رشد بانکداری است.

۴- بانک ها رابطه نزدیکی با نوسانات ارزی دارند.

بحرانهای ارزی می توانند به بحران های بانکی منجر شوند بر عکس. گاهی این دو بحران همزمان پدیدار می شوند که به آن به عنوان پدیده بحران دوقلوگفته می شود. اگر بانک ها در کشورهای در حال توسعه وام های دلاری داده باشند و از ارزش ارز محلی کم شود، بازپرداخت وام های دلاری گرانتر تمام می شود و ترازنامه بانک ها خراب می شود.

۵- افزایش نرخ بهره نیز بر بانک ها تاثیر می گذارد، به این دلیل ساده که نرخ های بالای بهره به گرانتر شدن بازپرداخت وام ها منجر می شود.

۶- تغییرات بی حساب در سیاست های دولتی در زمینه ارز، تعرفه گمرکی، نرخ سود بانکی، افزایش حجم

نقدینگی و به عنوان دلایل ایجاد بدهی معوق خارج از اختیار اشخاص بدهکار به شمار می رود.

۷- نظارت و مقررات ضعیف بانک های مرکزی.

کشورهای در حال توسعه نوعاً مقررات کافی ندارند و مقررات موجود را هم همواره به کار نمی بندند. احتمالاً کنترل کمی بر اعتبارها وجود دارد، بیمه سپرده ها و نیز الزامی برای کفایت سرمایه وجود ندارد. ممکن است برای بانک ها دشوار باشد که وثیقه را وصول کنند و دادگاه ها هم از کوشش بانک ها برای وصول وام ها حمایت نکنند. نقش مقررات قابل بحث است اما هیچ شکی نیست که بحران های بانکی در اثر فقدان مقررات خوب تشدید می شود.

۸- هجوم تبلیغاتی علیه بانک ها، روز به روز شدت بیشتری می یابد و از مدیران و کارکنان بانک ها، تصویر نادرستی در اذهان عموم مردم ایجاد کرده اند. بانک ها به عنوان عامل اصلی تعطیلی کارخانجات و رکود تولید، معرفی می شوند در حالی که بدون استفاده از خدمات بانکی، هیچ یک از واحد تولیدی موجود قادر به ادامه فعالیت نمی باشد.

۹- دولت و بخش خصوصی ما تمایل به تسویه بدهی معوق خود به بانکها ندارند و اغلب به صراحت می گویند بازپرداخت بدهی بانکها، کاری ابلهانه است زیرا که جریمه و سود بانکی تنها هزینه ای است که باید بپردازند و این هزینه در مقایسه با افزایش ارزش دارایی هایی که با استفاده از تسهیلات بانکی به دست آورده اند، در شرایط تورمی، بسیار بالاتر است.

۱۰- اقتضای شرایط تحریم ظالمانه آمریکا

## پیش بینی بحران مالی

مطرح ترین کاربرد روش های مبتنی بر پیش بینی تلاش هایی است که می توان بدان وسیله از دیدگاه تجربی، وجهه مشخصه شرکت هایی را که دچار بحران مالی خواهند شد، نسبت به شرکت هایی که دچار بحران مالی نخواهند شد، تعیین نمود و بدین منظور هر دو الگوی یک متغیره و چندمتغیره مورد استفاده قرار گرفته اند تا مشخص شود که یک شرکت در چه زمانی از نظر مالی دچار بحران مالی خواهند شد.

در تحقیق یک متغیره بی وری که مجموعه ای از نسبت های حسابداری را مورد آزمایش قرار داد تا ورشکستگی شرکت را پیش بینی کند نتیجه قابل ذکر این بود که نسبت جریان نقدی به کل بدهی ها دارای توان پیش بینی بالایی بود و پس از آن نسبت سود خالص به کل دارایی ها این ویژگی را داشت (در مقایسه با بقیه نسبت ها بهتر می توانست ورشکستگی شرکت را پیش بینی کند)

از میان تحقیق های چند متغیره، تجزیه تحلیلی را که آلتمن<sup>۶</sup> از الگوی چند متغیره برای پیش بینی ورشکستگی شرکت استفاده نمود و منجر به ارائه الگوی مشخص شد، پنج متغیر دارد:

$$X1 = \frac{\text{خالص سرمایه در گردش}}{\text{کل دارایی ها}}$$

$$X2 = \frac{\text{سود خالص}}{\text{کل دارایی ها}}$$

$$X3 = \frac{\text{سود قبل از بهره و مالیات}}{\text{کل دارایی ها}}$$

$$X4 = \frac{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}}{\text{ارزش دفتری کل بدهی ها}}$$

$$X5 = \frac{\text{فروش}}{\text{کل دارایی ها}}$$

آلتمن تابع معروف خود را بصورت زیر بیان نمود:

$$Z = 0/12X1 + 0/14X2 + 0/33X3 + 0/006X4 + 0/999X5$$

الف: شرکت هایی که مقدار Z بیش از ۲/۹۹ است در گروه شرکت های قرار می گیرند که ورشکست نخواهند شد، در حالی که همه آنها که مقدار Z کمتر از ۱/۸۱ داشته اند ظرف سال بعد ورشکست شده اند.

ب: یک نمره Z برابر ۲/۶۷۵ باعث شد که کل تعداد شرکت ها در طبقات نادرست (بوسیله الگوها) قرار گیرند.

اوهلسان<sup>۱۷</sup> یک الگوی لوژیت ارائه کرد که می توان بدان وسیله اثر چهار عامل اصلی بر احتمال ورشکستگی شرکت را مورد بررسی قرار داد این چهار عامل عبارتند از: اندازه یا بزرگی شرکت، معیارهایی از ساختار مالی شرکت، معیار عملکرد و معیار نقدینگی جاری، نه نسبت مالی زیر به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب شده اند که نمایگر این چهار عامل می باشند

$$1. SIZE = \frac{\text{کل دارایی ها}}{\text{شاخص سطح قیمت های تولید ناخالص ملی}}$$

$$2. TLTA = \frac{\text{کل بدهی ها}}{\text{کل دارایی ها}}$$

$$3. WCTA = \frac{\text{سرمایه در گردش}}{\text{کل دارایی ها}}$$

ب: الگوی دوم پیش بینی می کند که شرکت ظرف دو سال ورشکست می شود با فرض اینکه شرکت در سال اول ورشکست نشود آن را بصورت زیر بیان می کنند:

الگوی دوم:

-1/84-

0/519SIZE+4/76TLTA+1/71WCTA+0/297CLCA-  
2/74NITA-2/18FUTL+0/780INTWO-1/98OENEG-  
0/4218CHIN

پ: الگوی سوم پیش بینی می کند که شرکت ظرف یک یا دو سال ورشکست می شود و بصورت زیر نوشته می

شود

الگوی سوم:

-1/13-0/478SAIZE+5/29TLTA-

0/990WCTA+0/062CLCA-4/62NITA-  
2/25FUTL+0/521INTWO-1/91OENEG-0/212CHIN

با وجود نبود یک تئوری اقتصادی عمومی درباره بحران مالی، الگوی مبتنی بر تحلیل تشخیص می تواند برای بسیاری از تصمیم های عملی مفید واقع شود. برای مثال نخست می توان با کارمندان امور وام و مسئولان بانک اطلاعات را با سرعت بیشتر و با هزینه های کمتر، پردازش نمود. دوم آنکه می توان اطلاعات را به روشی که دارای ثبات بیشتری است پردازش کرد و سوم اینکه می توان تصمیم های مربوط به زبان را، که برعهده مدیران ارشد و رده بالا تر است تسهیل نمود.

$$4. CLCA = \frac{\text{کل بدهی های جاری}}{\text{کل دارایی های جاری}}$$

۵.  $OENEG =$  اگر کل بدهی ها بیش از دارایی ها باشد، برابر یک و در غیر این صورت صفر است

$$6. NITA = \frac{\text{سود خالص}}{\text{کل دارایی ها}}$$

$$7. FUTL = \frac{\text{وجه حاصل از عملیات}}{\text{کل بدهی ها}}$$

۸.  $INTWO =$  اگر سود خالص برای آخرین دو سال منفی بوده است برابر یک، و در غیر این صورت برابر صفر است

$$9. CHIN =$$

$$\left( \frac{NIT - NI(T-1)}{|NIT| + |NI(T-1)|} \right)$$

رابطه NIT سود خالص آخرین سال است مخرج کسر یک شاخص است و CHIN معیاری است از تغییر در سود خالص.

سه الگو آرا نه می شود

الف: الگوی اول پیش بینی می کند که ظرف یک سال شرکت ورشکست می شود و آن را بصورت زیر بیان می کند:

الگوی اول:

-1/32-0/407SAIZE+6/03TLTA-

1/43WCTA+0/0757CLCA-2/37NITA-  
1/83FUTL+0/285NITWO+1/72OENEG-5/21CHIN



باشد. ولی وجود این، می توان برای عبور از بحرانهای اقتصادی به این روش نیز توسل جست.

ششمین راه، درمورد بدهی های کلان شرکت ها ، بمنظور جلوگیری از ایجاد بدهی معوق، مفاد قراردادهای بانکی می بایستی شرکت را مکلف سازد، تا زمانی که بدهی بانکی به سطح قابل قبولی کاهش نیافته، از تقسیم سود بین سهامداران خودداری ورزد و تمامی ذخیره استهلاک و سود سالانه صرف تسویه مطالبات بانک ها بشود.

هفتمین راه، استفاده مستمر از استعداد های فردی و توجه به نیاز ها و رفاه کارکنان در شرایط کلی، تجربه نشان داده است که یک سازمان فقط با اتکا به کارکنان خود می تواند موفق باشد. از این رو سازمانهای نیک اندیش همواره بر بهبود مستمر کیفیت کاری کارکنان خود توجه خاصی می کنند.

هشتمین راه، که تمسک به آن نیازمند بازنگری در قوانین بالادستی نظام بانکی است اجازه حضور سرمایه گذار خارجی در بانک های کشور است. آنچه محرز شده آن است که برای بازسازی اقتصاد زمین خورده فارغ از استفاده از همه توانمندی های داخلی در چارچوب سیاست های اقتصاد مقاومتی، کشور نیازمند تزریق رقمی حدود ۲۰۰ میلیارد دلار است که دست یافتن به آن از طریق منابع داخلی امکان پذیر نیست. زیرا که براساس آمارها حجم مطالبات معوق بانکی در ایران به حدود ۳۰ میلیارد دلار رسیده که حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی است، آیا این حجم با توجه به معیارهای بین المللی رقم قابل توجهی است؟

راهکارهای برون رفت از بحران بانکی :

اولین راه ، به نقل از بیانات حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی «تبیین پیامدهای مثبت، چالش ها و راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی» است. دومین راه ، انتقال دارایی های سمی بانک هابه بیرون ترانزنامه است، باید نیاز به سیاست های ساختاری وجود داشته باشد.

سومین راه، ارائه راهکارهای مقاومت و ماندگاری در این شرایط ،به خصوص در زمینه بازاریابی و تبلیغات که شریان اصلی حیات یک شرکت تجاری به شمار می رود. دارای اهمیت ویژه و حیاتیست(بخصوص بازاریابی پله ای). ودر شرایط فعلی از استراتژی های راهبردی می باشد.

چهارمین راه ،حلی که در این زمینه وجود دارد حمایت روحی و روانی از مشتریان ویژه و خاص با ارتباط مستمر با ایشان و توضیح دادن این نکته که آنان در انتخاب خدمات و محصولات شما ،تصمیم درستی اتخاذ نموده اند ؛ شما را به عنوان یک بنگاه برتر معرفی می نماید.

پنجمین راه، یکی از راههای استراتژی های موثر در عبور از این شرایط ، بررسی مجدد بازارهای هدف تحت پوشش بنگاه و دست یازی به بازارهایست که تا کنون مورد توجه بنگاه نبوده است. گرچه هزینه پیدا کردن مشتریان جدید چندین برابر حفظ مشتریان قبلی می

کاهش فعالیت ها بخصوص در امر حمایت های مالی و معنوی می باشیم با شروع بحران حمایت های معنوی و مالی در اوج خود قرار دارد ولی بتدریج در فازهای توانمندسازی و بازسازی شاهد کاهش این کمک ها می باشیم. در مدیریت ریسک برعکس مدیریت بحران اقدامات گسترده ای قبل از وقوع انجام می شود و عملاً غافلگیری به حداقل ممکن می رسد.

مدیریت ریسک با توجه به تحلیل مرتب داده ها روش های عکس العمل را تعریف، اجرا و کنترل می نماید و بدین ترتیب در زمان وقوع حوادث (خشکسالی، سیل و غیره) با اتخاذ روش های عکس العملی خسارات به حداقل ممکن می رسد. ابزارهای اصلی این مدیریت استفاده از صنعت بیمه و اجرای روش های بهینه سازی است و پرداخت خسارت در این روش به جز در مواردی خیلی استثنایی جایگاهی ندارد. مسائل اصلی در مدیریت ریسک شامل شناخت علمی پدیده ها، استاندارد کردن یافته های علمی، دیده بانی و نظارت و مراقبت پدیده ها و تعیین روش های عکس العملی و ایجاد بسترهای قانونی برای استفاده از یافته های علمی و در نهایت هماهنگی بین سازمان ها و ارگان های مرتبط با مقوله بلایای طبیعی مانند زلزله و سیل می باشند.

لذا حتی با فرض افزایش قیمت نفت به سرخط ۵۰ تا ۶۰ دلار در هر بشکه، دولت قادر نخواهد بود کلیه بانک های بحرانی فعلی را صرفاً با استقراض از منابع بانک مرکزی، تملک یا ملی کند. بنابراین شاید آخرین تیر در تیرکش اقتصاد نحیف کشور، بازنگری در قوانین حضور بانک های خارجی و رفع محدودیت درصد میزان سهمی است که یک بانک خارجی در یک بانک ایرانی می تواند داشته باشد.

و در نهایت امر قضاوت در خصوص بزرگی یا کوچکی حجم مطالبات معوق بانک ها به دو امر بستگی دارد؛ نخست اینکه باید دید حجم سرمایه بانک ها چه میزان است که در صورت نکول بتوانند از آن استفاده کنند و دوم اینکه در صورت وقوع بحران، بانک مرکزی یا مجموعه دولت چه میزان حاضرند به بانک ها کمک کنند.

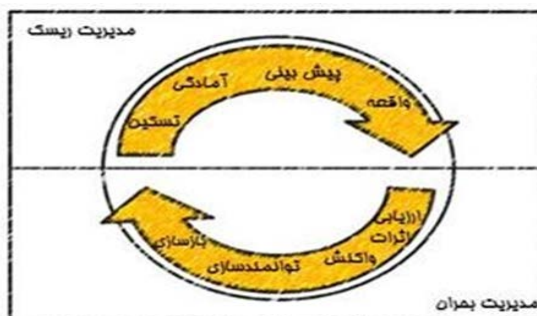
ارتباط و اختلاف موجود در بین مدیریت ریست و بحران مالی:

در مدیریت بحران که غالب کشورهای در حال توسعه از آن استفاده می نمایند، پس از وقوع یک واقعه کلیه امکانات مالی و انسانی در منطقه بسیج شده و پرداخت خسارات و کمک رسانی بلاعوض در سر لوجه فعالیت ها قرار می گیرد. ویژگی مهم مدیریت بحران عدم هرگونه اقدام قبل از وقوع حادثه است و تمامی فعالیت ها پس از آن انجام می شود که بتدریج پس از مدتی شاهد

ریسک مناسب و دقیق تر است، این انتظار می رود در این خصوص پیش از پیش صورت گیرد.

در این تحقیق با توجه به تاثیر مدیریت ریسک بر بحران مالی نظام بانکی کشور مانند پیش بینی بحران مالی، با استفاده از تقسیم بندی انواع ریسکی که بانک ها با آن مواجه هستند و همچنین شناسائی تهدید های بحران بانکی با مدیریت صحیح و دقیق ریسک به مقابله با آن پردازیم.

در نمودار زیر رابطه بین مدیریت ریسک و بحران نشان داده شده است:



نتیجه گیری:

ضرورت و اهمیت پژوهش:

اول مقاله حاضر بطور مفصل نوسانات و چالش های مدیریت ریسک و بحران بانکی شرایطی که فعالیت بانک ها را تحت الشعاع قرار داده است شناسائی و استراتژی ها، راه کار ها، فرصت ها، تدارکات و تمهیداتی را بصورت پدافندی و هدف گرا در راستای توانمندسازی و بسترسازی اقتصاد سالم و پویا و با کمک دولت جهت مقابله با تهدیدات و آسیب های ناشی از آن ارائه نموده است.

ثانیا تجربیات تلخ گذشته در بازارهای مالی نشان دهنده نیاز انکار ناپذیر به ساختار مدیریت ریسک و اهمیت آن در نظام بانکی در سطح بین المللی و بازارهای مالی در

باتوجه به نقش و اهمیت مدیریت ریسک در اقتصاد کشور های در حال توسعه، این انتظار می رود که در این کشور ها تحقیقات بسیار گسترده ای در خصوص عوامل تاثیر گذار مدیریت ریسک بر بحران مالی بانک ها صورت گیرد متاسفانه در کشور ما با توجه به مباحث پیش رو در خصوص شناسایی انواع ریسک موجود در بانک ها جهت هموار سازی مخاطرات آن و همچنین بهبود بحران مالی (اعتباری و نقدینگی)، وضعیت دارایی های سمی و جلوگیری از حبس پول و اینکه ابزارهای کنترل ریسک یکی از راهکار های مدیریت

## پیشنهادات:

مدیریت ریسک در نظام بانکی کشور، بسیار نوظاست. به واقع یک دهه قبل اثری از مدیریت ریسک در ساختار سازمانی بانکها یافت نمی شد. لیکن به دلایل مختلف از جمله تغییر شرایط محیط داخلی و یا خارجی، و احساس نیاز از درون بانک ها در پاسخ به تغییرات بیرونی، همچنین به سبب وقوع برخی مشکلات به دلیل تغییرات نرخ سود سپرده ها و حجم بالای مطالبات معوق و مشکوک الوصول و به تبع آن فشارهای نقدینگی، تغییرات نرخ ارز، بانکها اقدام به ایجاد ساختار سازمانی مستقل در بالاترین سطوح سازمانی خود جهت مدیریت ریسک نمودند از سوی دیگر در سالهای اخیر بانک مرکزی.ج.ا.ا. ایران نیز اقدام به اعلام رهنمودهای کمیته بازل در زمینه های مختلف مدیریت ریسک و همچون ساختار کنترل داخلی به کلیه بانک ها کرده است که بر اساس آن تمام بانکها موظف به ایجاد ساختار مدیریت ریسک مستقل در ساختار سازمانی خود شده اند. بررسی تجربه بانکهای کشور در سالهای گذشته تأیید کننده این مدعاست که در بسیاری از موارد تشکیل اداره مدیریت ریسک از درون سازمان و در پاسخ به الزامات و شرایط بیرونی صورت گرفته است. بر این اساس از سال ۱۳۸۴ به بعد سیستم بانکی کشور شاهد توسعه هر چه بیشتر تفکر مدیریت ریسک در بانکها و بویژه در بانک های خصوصی کشور برای حفظ منافع سهامداران در مقابل انواع تغییرات و پدیده های نامطلوب بوده است. امروزه در اکثر قریب به اتفاق بانک های کشور مدیریت ریسک در بالاترین سطح زمانی و به صورت واحدی مستقل زیر نظر هیأت مدیره وجود دارد

جهت مقابله با تهدیدات و بحران های مالی است. با توجه به نقش بانک ها در زمینه گردآوری منابع مالی و تخصیص آنها به فعالیت های سود آور، بانک نسبت به پذیرش ریسک های مختلف در این زمینه مبادرت می نمایند. از سوی دیگر به دلیل مزیت هایی که در استفاده از اهرم مالی برای بانک ها وجود دارد، این موسسات میل زیادی به ایجاد اهرم بیشتر برای ایجاد سود برای سهام داران می باشند لیکن استفاده بی رویه از این روش می تواند ریسک های زیادی را برای ذی نفعان بانک ها به ویژه سپرده گذاران و فعالان بازارهای مالی در بردارد امروزه در اکثر قریب به اتفاق بانک های کشور مدیریت ریسک در بالاترین سطح زمانی و به صورت واحدی مستقل زیر نظر هیأت مدیره وجود دارد و در مواردی این واحد به صورت اداره کل مدیریت ریسک مشغول به فعالیت است که نشان دهنده میزان اهمیت بانک های مربوطه به موضوع مدیریت ریسک است. شایان ذکر است که بانک های دولتی نیز در این بین روندی مثبت را پیش گرفته اند و امید است که با عنایت هر چه بیشتر اعضای هیأت مدیره بانکهای کشور از یک سو و نیز اهتمام بانک مرکزی.ج.ا.ا. ایران، شاهد توسعه فرهنگ مدیریت ریسک و تصمیم گیری مبتنی بر ریسک در بانکهای کشور بصورت پدافندی جهت دستیابی هر چه بیشتر ریاضت بحران مالی باشیم.

۷- مهرگان، محمد رضا (۱۳۸۳)، مدلهای کمی در ارزیابی عملکرد سازمانها، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

[8] Berger, Allen N., H.S. Bouwman, Christa, "Financial Crises and Bank Liquidity Creation", University of South Carolina October 2008

[9] Nier, Erlend and Zicchino, Lea, "Bank Losses, Monetary Policy, and Financial Stability—Evidence on the Interplay from Panel Data", IMF Working Paper, WP/08/232

[10] Auditing Practices Board (2007). Practice note 19: The audit of banks and building societies in the United Kingdom. London: APB

[11] Beaver W (1996) "Financial ratios as predictors of failure", Journal of Accounting Research; 5:71-111

[12] Caouette John B., Edward I. Altman, Paul Narayanan (1998) "Management credit risk: the next great financial challenge": John Wiley & sons, N.Y. p: 35..

[13] Sikka, P., Haslam, C., Kyriacou, O., & Agrizzi, D. (2007).

Professionalising claims and the state of UK professional accountancy education: Some evidence. Accounting Education: An International Journal, 16(1), 3-21.

[14] United States Bankruptcy Court for the District Delaware

. (2008) Final report of Michael J. Missal bankruptcy court examiner:

In re: New Century Trs Holdings, Inc., a Delaware corporation, et al. <graphics8.nytimes.com/packages/pdf/business/Final\_Report\_New\_Century.pdf>

[15] US Securities Exchange Commission (2008). SEC's oversight of bear stearns and related entities: The consolidated supervised entity program. Washington, DC: SEC <http://finance.senate.gov/press/>

و در مواردی این واحد به صورت اداره کل مدیریت ریسک مشغول به فعالیت است که نشان دهنده میزان اهمیت بانک های مربوطه به موضوع مدیریت ریسک است که می تواند مورد بررسی قرار گیرد.

#### مراجع

۱- تئوری های حسابداری / احمدریاحی بلکویی، ترجمه علی پارسائیان تهران، ترمه، سال ۱۳۹۰

۲- مدیریت مالی، دکتر رضا تهرانی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران انتشارات نگاه دانش، تهران سال ۱۳۹۰

۳- مدیریت مالی [احمد مدرس و فرهاد عبدالله زاده]- تهران انتشارات فیپا، ۱۳۸۵

۴- جهانی شدن و توسعه بنگاه های کوچک و متوسط ترجمه دکتر نعمت الله تقوی با همکاری محمد رضا اسماعیلی نیا ۱۳۸۱

۵- «بررسی دلایل بروز بحران چهارم نفتی و پی شیبینی قیمت های نفتی تا سال ۲۰۱۰ میلادی». ژف، مرجان، راهنما دکتر اسدالله فرزین وش، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، ۱۳۷۹

۶- نادری، مرتضی، "توسعه مالی، بحران های مالی، و رشد اقتصادی"، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۶

Gpress/2008/prg092608i. pdf>.

[20] Kiss France (2003) "Credit rating process from a knowledge management prospective ", Budapest university of technology and economics, P: 96-97.

[16] Altman E et al (1968) "Financial ratios discriminate analysis and the prediction of corporate bankruptcy", the Journal of Finance; 4: 589-609

[17] Emel AB et al (2003)"A credit Rating approach for the commercial banking sector", Journal of Socio-Economic Planning Sciences; 37:103-123

[18] Treacy William F (1998)"Credit risk rating system at large U.S bank", Journal of Banking and Finance; 24:167-201.

[19] Yeh Q.J (1996) "The application of data envelopment analysis in conjunction with financial ratios for bank performance evaluation ", European Journal of Operational Research society; 47(8): 980-988.